

# رم چشم‌انداز را ترسیم می‌کند - شماره ده

آخرین مناقشه: کتاب یوئیل، سقوط نیویورک و نماد روم در تاریخ ظهور

Jeff Pippenger

2024-08-26

آخرین مناقشه‌ای که می‌خواهم در کنار دیگر استدلال‌های تاریخی دربارهٔ نماد روم در تاریخ ادونتیست‌ها بررسی کنم، به کتاب یوئیل مربوط می‌شود. آن مناقشه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد، و اگر اوضاع و احوال آن دوره در نظر گرفته نشود، چند نکته ظریف به راحتی از نظر پنهان می‌ماند. قرار دادن آن شرایط در بستر مناسب مستلزم توجه به تاریخ جنبش میلریتی است. در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، نبوت زمانی مکاشفه، باب نهم، آیه پانزده، تحقق یافت.

و آن چهار فرشته رها شدند، که برای ساعت و روز و ماه و سال آماده شده بودند تا یک سوم مردم را بکشند. مکاشفه ۹:۱۵.

این آیه عبارت «ساعتی، و روزی، و ماهی، و سالی» را معادل سیصد و نود و یک سال و پانزده روز معرفی می‌کند. چهار فرشته نمایانگر زمانی بودند که اسلام به قدرت برخاست و جنگ را علیه روم به راه انداخت؛ این امر از ۲۷ ژوئیه ۱۴۴۹ آغاز شد. نقطه آغاز با به کارگیری نقطه پایان پیشگویی زمانی دیگری به مدت صد و پنجاه سال تعیین شد. نخستین پیشگویی زمانی صد و پنجاه ساله در تاریخ «وای اول» بیان شده بود که همان شیپور پنجم باب نهم مکاشفه است. هنگامی که آن پیشگویی صد و پنجاه ساله در ۲۷ ژوئیه ۱۴۴۹ به پایان رسید، پیشگویی زمانی‌ای که اکنون در نظر داریم آغاز شد و سیصد و نود و یک سال و پانزده روز بعد، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، پایان یافت.

ویلیام میلر نیروهای باب نهم مکاشفه را نمایانگر اسلام فهمیده بود و پیش از تاریخ ۱۱ اوت ۱۸۴۰، یکی از پیروان میلر به نام جوزایا لیچ، بر اساس آن نبوت پیشگویی‌ای ارائه کرد که در سال ۱۸۴۰، سلطه عثمانی پایان خواهد یافت. ده روز پیش از ۱۱ اوت ۱۸۴۰، لیچ پیشگویی خود را دقیق‌تر و به روز کرد تا نه تنها سال تحقق نبوت، بلکه همان سال، روز و ماه را مشخص کند. خواهر وایت اثر پیشگویی لیچ بر جامعه دینی پیروان میلر را هنگام تحقق آن رویداد شرح می‌دهد.

"در سال ۱۸۴۰ تحقق چشمگیر دیگری از پیشگویی، علاقه گسترده‌ای را برانگیخت. دو سال پیش از آن، جوسایا لیچ، یکی از کشیشان برجسته مبلغ ظهور دوم، شرحی بر مکاشفه باب ۹ منتشر کرد و در آن سقوط امپراتوری عثمانی را پیش‌بینی نمود. بر اساس محاسبات او، این قدرت قرار بود ... در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ سرنگون شود، زمانی که انتظار می‌رود قدرت عثمانی در قسطنطنیه درهم شکسته شود. و این، به باور من، ثابت خواهد شد که چنین است."

دقیقاً در زمان تعیین‌شده، ترکیه از طریق سفیرانش حمایت قدرت‌های متحد اروپا را پذیرفت و بدین‌سان خود را زیر کنترل کشورهای مسیحی قرار داد. این رویداد پیشگویی را به طور دقیق تحقق بخشید. هنگامی که این امر آشکار شد، انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوتی که میلر و همکارانش برگزیده بودند قانع شدند، و جنبش ظهور نیروی محرکه‌ای شگفت‌انگیز یافت. مردانی دانشمند و صاحب‌منصب با میلر متحد شدند، هم در موعظه و هم در انتشار دیدگاه‌های او، و از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ کار به سرعت گسترش یافت. مناقشه بزرگ، ۳۳۴، ۳۳۵.

تأیید او نسبت به این واقعه در طول سال‌ها بارها و به شیوه‌های گوناگون از سوی ادونتیست‌های روز هفتم لاودیکو مورد حمله قرار گرفته است. همانند «هفت بار» و «روزانه»، حمله به این حقیقت به معنای رد بنیادهاست، چنان‌که بر دو لوح مقدس نمایانده شده‌اند، و نیز رد اقتدار روح نبوت. دلیل

اینکه شیطان برای نابود کردن اعتماد به این تاریخ تلاش کرده، چندوجهی است.

پیشگویی لیچ از «اصول تفسیر نبوی که میلر اتخاذ کرده بود» بهره می‌گرفت. میلر بینشی نسبت به عنصر زمان نبوی یافته بود و هر کس که تردید دارد که پیام میلر بر مبنای زمان نبوی استوار بود، کافی است به نمودارهای پیشگام ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ رجوع کند تا درستی این امر را تأیید کند. پیش از ۱۱ اوت ۱۸۴۰، کسانی که با پیشگویی میلر درباره بازگشت مسیح مخالفت می‌کردند، استدلال می‌کردند که نمی‌توان از زمان نبوی برای فهم زمان بازگشت مسیح استفاده کرد. آنان اغلب به گفته کتاب مقدس درباره ندانستن روز و ساعت استناد می‌کردند تا با پیام و کار او مخالفت کنند.

اما از آن روز و ساعت، هیچ‌کس نمی‌داند؛ نه فرشتگان آسمان، بلکه فقط پدر من. اما چنان‌که در روزهای نوح بود، آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود. زیرا همان‌گونه که در روزهای پیش از طوفان، می‌خوردند و می‌نوشیدند، ازدواج می‌کردند و شوهر می‌دادند، تا روزی که نوح وارد کشتی شد، و ندانستند تا آنکه طوفان آمد و همه را با خود برد؛ آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود. آنگاه دو نفر در مزرعه خواهند بود؛ یکی برده می‌شود و دیگری بر جا گذاشته می‌شود. متی ۲۴:۳۶-۴۰.

به‌رغم این بخش، پیروان میلر شواهد کتاب مقدسی فراوانی برای تأیید پیش‌بینی‌هایشان یافتند و به راه خود ادامه دادند و بر مبنای اصلی عمل کردند که بعدها توسط خواهر وایت شناسایی شد.

«هیچ‌کس از روز و ساعت آگاه نیست» استدلالی بود که منکران ایمان به ظهور بیش از همه مطرح می‌کردند. متن کتاب مقدس چنین است: «از آن روز و ساعت، هیچ‌کس آگاه نیست، نه حتی فرشتگان آسمان، بلکه فقط پدر من.» متی ۲۴:۳۶. توضیحی روشن و هماهنگ از این آیه از سوی آنان که در انتظار خداوند بودند ارائه شد، و سوءاستفاده‌ای که مخالفانشان از آن می‌کردند به‌روشنی نشان داده شد. این سخنان را مسیح در آن گفت‌وگوی به‌یادماندنی با شاگردانش بر کوه زیتون، پس از آنکه برای آخرین بار از هیکل بیرون رفته بود، بر زبان آورد. شاگردان این پرسش را مطرح کرده بودند: «نشانه آمدن تو و پایان جهان چه خواهد بود؟» عیسی نشانه‌هایی به آنان داد و فرمود: «هرگاه همه این امور را دیدید، بدانید که نزدیک است، بلکه بر درهاست.» آیات ۳ و ۳۳. نباید سخنی از نجات‌دهنده را وسیله‌ای کرد تا سخن دیگرش را باطل سازد. هرچند هیچ‌کس روز و ساعت آمدن او را نمی‌داند، به ما تعلیم داده و از ما خواسته شده است که بدانیم چه هنگام نزدیک است. همچنین به ما آموخته شده است که بی‌اعتنایی به هشدار او و امتناع یا غفلت از دانستن نزدیکی ظهورش، برای ما به همان اندازه مهلک خواهد بود که برای کسانی بود که در ایام نوح می‌زیستند و ندانستند سیل چه زمانی می‌آید. و مثلی که در همان فصل آمده، که خادم وفادار و خادم بی‌وفا را در برابر هم می‌نهد و سرنوشت آن کس را بیان می‌کند که در دل خود گفت: «سرورم آمدنش را به تأخیر می‌اندازد»، نشان می‌دهد مسیح با چه نظر به آنان خواهد نگرست و چگونه جزا خواهد داد: هم به آنانی که بیدار و منتظر یافته می‌شوند و آمدن او را تعلیم می‌دهند، و هم به آنان که آن را انکار می‌کنند. «پس بیدار باشید»، او می‌گوید. «خوشا به حال آن غلام که آقایش وقتی بیاید او را در همان حال مشغول یابد.» آیات ۴۲ و ۴۶. «پس اگر بیدار نباشی، چون دزد بر تو خواهم آمد، و نخواهی دانست در کدام ساعت بر تو خواهم آمد.» مکاشفه ۳:۳. نبرد عظیم، ۳۷۰.

وقتی پیشگویی لیچ تحقق یافت، «مردان اهل علم و مقام با میلر متحد شدند، هم در موعظه و هم در انتشار دیدگاه‌های او، و از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ کار به سرعت گسترش یافت.» پیام میلر زمانی قوت گرفت که قواعد او برای تفسیر نبوت به‌عنوان قواعدی معتبر تأیید شدند. در پی تحقق نبوت زمانی، نه تنها قاعده میلر تأیید شد و بسیاری به جنبش میلری پیوستند، بلکه به همان اندازه از نظر نبوتی مهم این بود که آنچه تأیید شد، قاعده اصلی در میان قواعد میلر بود. همچنین، این واقعیت که این تأیید از

طریق به کار بستن نبوت «وای» دوم از سه «وای» (که همان شیپور پنجم و ششم و هفتم نیز هستند) صورت گرفت.

قدرت یابی پیام میلر به یکی از مهم‌ترین نقاط عطف جنبش اصلاحی میلریتی‌ها بدل شد. نماد آن تعمید عیسی بود. این امر نشان می‌داد که فرایند آزمون نهایی قوم عهد پیشین (پروتستان‌ها) آغاز شده است. این موضوع به کانون حمله شیطان علیه کل جنبش و پیام میلریتی تبدیل شد.

هر پرسشی که شیطان بتواند در ذهن برانگیزد تا نسبت به تاریخ باشکوه سفرهای گذشته قوم خدا تردید ایجاد کند، مایه خشنودی اعلی حضرت شیطانی اوست و اهانتی به خدا. بشارت آمدن قریب الوقوع خداوند با قدرت و جلال عظیم به جهان ما حقیقت است، و در سال ۱۸۴۰ صداهای بسیاری برای اعلام آن بلند شدند. Manuscript Releases، جلد ۹، صفحه ۱۳۴.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ویل سوم وارد تاریخ نبوی شد. آن رویداد قاعده اصلی تفسیر نبوت را که جنبش فرشته سوم - که در ۱۹۸۹ آغاز شد - اختیار کرده بود، تأیید کرد. نخستین حقیقتی که بر پیام‌آور آن جنبش اصلاحی گشوده شد در ۱۹۸۹ گشوده شد، و آن شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال نبود. آن حقیقت این بود که همه جنبش‌های اصلاحی به‌طور موازی با یکدیگر پیش می‌روند و باید خط بر خط در کنار هم آورده شوند تا ویژگی‌های جنبش صد و چهل و چهار هزار، که همان جنبش فرشته سوم است، شناسایی شود. نخستین ارائه عمومی‌ای که من انجام دادم، در یک گردهمایی اردوگاهی در ۱۹۹۴ - یا شاید ۱۹۹۵ - بود. آن ارائه درباره شش آیه آخر باب یازدهم دانیال نبود؛ درباره خطوط اصلاحی‌ای بود که به موازات هم پیش می‌روند.

وقتی نبوت مربوط به اسلام در «وای سوم» در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به تحقق رسید، با ۱۱ اوت ۱۸۴۰ متناظر بود. در سال ۱۸۴۰، نبوتی مربوط به «وای اول» و «وای دوم» پیام پیروان میلر را تأیید کرد، و در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نبوت «وای سوم» پیام «America for America» را تأیید نمود. شناخت آن واقعیت، انبوهی را به این جنبش وارد کرد، در حالی که پیش‌تر عمدتاً محدود به یک فرد بود. سپس پیام جنبش و پیام‌آورش مورد حمله قرار گرفتند، همان‌گونه که تاریخ ۱۸۴۰ در طول دهه‌های پس از آن به کانون حملات شیطانی تبدیل شده بود.

کسانی که به جنبش «فیوچر فور آمریکا» پیوستند، قواعد تفسیر نبوتی گردآوری شده توسط پیام‌آور آن تاریخ را پذیرفتند. یکی از آن قواعد، شاید مهم‌ترین آنها، «تطبیق سه‌گانه نبوت» بود و هست. پیام‌آور به این درک رسیده بود که برخی حقایق نبوتی در سه تحقق مشخص به تصویر کشیده می‌شوند. با باور به اینکه تاریخ میلری‌ها در تاریخ یک‌صد و چهل و چهار هزار تکرار می‌شود، دیده شد که ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نمونه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است و اینکه دیگر خطوط اصلاحی مقدس نیز همان نشانه راه را داشتند.

آنگاه شیر قبیله یهودا شواهد تکرار هر خط اصلاح مقدس را در خط فرشته سوم گشود. دیده شد که همان‌گونه که تاریخ میلری مثل ده باکره را مو به مو تحقق بخشید، تاریخ Future for America نیز چنین کرد.

"اغلب توجه من به مثل ده باکره جلب می‌شود؛ پنج تن از آنان خردمند بودند و پنج تن نادان. این مثل مو به مو تحقق یافته و خواهد یافت، زیرا برای این زمان کاربردی ویژه دارد و، همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود." Review and Herald، ۱۹ اوت ۱۸۹۰.

هفت رعد باب دهم مکاشفه شناخته شدند تا تجربه میلریتی‌ها از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، و نیز تاریخ از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد را مشخص کنند.

«آن نور ویژه‌ای که به یوحنا داده شد و در هفت رعد بیان گردید، ترسیمی از وقایعی بود که در زیر پیام‌های فرشته اول و دوم رخ می‌دادند...»

پس از آنکه این هفت رعد سخن گفتند، فرمانی به یوحنا می‌رسد، همان‌گونه که درباره کتابچه به دانیال رسیده بود: «آنچه را که این هفت رعد گفته‌اند مَهر کن.» این‌ها به رویدادهای آینده مربوط‌اند که به ترتیب خود آشکار خواهند شد. تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، ۹۷۱.

پذیرفته شد که خواهر وایت مستقیماً گفته است که حرکت فرشته سوم با حرکت فرشتگان اول و دوم به موازات پیش می‌رود.

خدا برای پیام‌های مکاشفه ۱۴ جایگاه‌شان را در سلسله نبوت مقرر کرده است، و کار آنها تا پایان تاریخ این زمین متوقف نخواهد شد. پیام‌های فرشتگان نخست و دوم همچنان حقیقتی برای این زمان‌اند و باید همگام با آنچه در پی می‌آید پیش بروند. فرشته سوم هشدار خود را با صدایی بلند اعلام می‌کند. «پس از این امور»، یوحنا گفت: «دیدم فرشته دیگری که قدرتی عظیم داشت، از آسمان فرود آمد، و زمین از جلال او روشن شد.» در این روشنایی، نور هر سه پیام با هم ترکیب شده است. مواد ۱۸۸۸، ۸۰۳، ۸۰۴.

جنبش فرشتگان اول و دوم به موازات جنبش فرشته سوم پیش می‌رود. پیشگویی‌ای که به جنبش فرشتگان اول و دوم توان بخشید، با تحقق یک پیشگویی زمانی درباره وای اول و دوم توانمند شد، و توان گرفتن جنبش فرشته سوم نیز از تحقق پیشگویی‌ای درباره وای سوم بود.

همچون ۱۱ اوت ۱۸۴۰، زمانی که پیام فیوچر فور آمریکا تأیید شد، "انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوی اتخاذشده" توسط فیوچر فور آمریکا قانع شدند و "شتاب و نیروی شگفت‌انگیزی به جنبش ظهور" داده شد. "مردان دانش و منزلت" با فیوچر فور آمریکا متحد شدند، "هم در موعظه و هم در نشر" پیام نبوی فیوچر فور آمریکا. قاعده مشخص فیوچر فور آمریکا که ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را به روشنی به‌عنوان تحقق نبوت تأیید کرد، "کاربرد سه‌گانه نبوت" بود.

وقتی دیدگاه بنیادین اسلام درباره وای اول و وای دوم را، چنان‌که در هر دو نمودار مقدس نشان داده شده و همراه با شهادت مکتوب کسانی که آن پیام را تعلیم دادند، می‌پذیریم، ویژگی‌های نبوی مشخصی را که با وای اول و وای دوم پیوند دارند تشخیص می‌دهیم. کتاب مقدس بارها و به شیوه‌های گوناگون تعلیم می‌دهد که حقیقت بر شهادت دو نفر استوار می‌شود. ویژگی‌های نبوی وای اول، در ترکیب با ویژگی‌های نبوی وای دوم، ویژگی‌های نبوی وای سوم را تثبیت می‌کند. کاربرد سه‌گانه اسلام آن قدر در شناسایی فرارسیدن وای سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دقیق است که ندیدن آن ناممکن است، هرچند بیشتر مردم ترجیح می‌دهند چشمان خود را بر شواهد ببندند.

تطبیق سه‌گانه نبوت به‌طور قاطع ثابت کرد که وای سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید. سپس دیده شد که آن قاعده مستقیماً با پیام فرشته دوم مرتبط بوده است؛ پیامی که در زمان میلریت‌ها و نیز در زمان صد و چهل و چهار هزار، دوره‌ای است که در آن روح‌القدس افاضه می‌شود. هر دو دوره تاریخی تحقق مثل ده باکره‌اند، و در آن مثل، پیام فریاد نیمه‌شب جایی است که تمایز میان دانا و نادان آشکار می‌شود، و همان‌جاست که پیام فرشته دوم قدرت می‌گیرد.

نزدیک پایان پیام فرشته دوم، دیدم که نوری عظیم از آسمان بر قوم خدا می‌تابید. پرتوهای این نور همچون خورشید درخشان می‌نمودند. و صدای فرشتگانی را شنیدم که ندا می‌دادند: «اینک، داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون آیید!»

"این همان فریاد نیمه شب بود که می‌بایست به پیام فرشته دوم قدرت ببخشد. فرشتگان از آسمان فرستاده شدند تا قدیسان دلسرد را برانگیزند و آنان را برای کار عظیمی که پیش رو داشتند آماده سازند. با استعدادترین مردان نخستین کسانی نبودند که این پیام را دریافت کنند. فرشتگان نزد فروتنان مخلص فرستاده شدند و آنان را واداشتند که فریاد برآورند: 'اینک، داماد می‌آید؛ برای استقبال او بیرون روید!'" نوشته‌های نخستین، 238.

در تاریخ فرشتگان اول و دوم، افاضه روح القدس با پیوستن ندای نیمه شب به پیام فرشته دوم تحقق می‌یابد. این امر در تاریخ فرشته سوم تکرار می‌شود.

فرشتگانی برای یاری رساندن به فرشته مقتدر از آسمان فرستاده شدند، و من صداهایی شنیدم که گویی در همه جا طنین انداز بودند: «از او بیرون آید، ای قوم من، تا در گناهان او شریک نشوید و از بلایای او نصیبی نبرید؛ زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده است، و خدا شرارت‌هایش را به یاد آورده است.» این پیام به نظر می‌رسید افزوده‌ای بر پیام سوم باشد و به آن پیوست، چنان‌که فریاد نیمه شب در سال ۱۸۴۴ به پیام فرشته دوم پیوست. جلال خدا بر قدیسان شکیبیا و منتظر قرار گرفت، و آنان بی‌باکانه آخرین هشدار جدی را اعلام کردند، سقوط بابل را اعلام کرده، و قوم خدا را فراخواندند که از او بیرون آیند؛ تا از سرنوشت هولناک او بگریزند. موهبت‌های روحانی، جلد ۱، ۱۹۵.

از نظر کاربرد سه‌گانه نبوت، پیام فرشته دوم بیانگر کاربرد سه‌گانه نبوت است، زیرا پیام در هر یک از دو مقطع تاریخی این است که بابل دو بار سقوط کرده است.

و فرشته‌ای دیگر در پی او آمد و گفت: «بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است، آن شهر عظیم، زیرا همه قوم‌ها را از شراب خشم زناکاری خود نوشانید.» مکاشفه ۱۴:۸.

فرشته نیرومند مکاشفه باب ده، هم‌زمان با تحقق نبوتی درباره‌ی وای اول و دوم در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمد و بدین‌سان فرود آمدن فرشته نیرومند مکاشفه باب هجده را در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمادین ساخت. آن فرشته که زمین را با جلال خود روشن می‌سازد، سپس ندا درداد.

و با صدایی نیرومند فریاد زد و گفت: بابل عظیم سقوط کرده است، سقوط کرده است، و مسکن شیاطین شده است، و زندان هر روح پلید، و قفس هر پرنده ناپاک و نفرت‌انگیز. مکاشفه ۱۸:۲.

پیام فرشته دوم باب چهاردهم و فرشته نیرومند باب هجدهم بیان می‌کند که بابل دو بار سقوط کرده است، و این پیام بابل ایام آخر را شناسایی می‌کند. این پیام بابل ایام آخر را شناسایی می‌کند، زیرا آن دو بار که بابل پیش‌تر در زمان نمرود و در زمان نبوکدنصر تا بلشصر سقوط کرد، ویژگی‌های نبوی سقوط فاحشه مکاشفه باب هفدهم را که بر پیشانی‌اش نوشته است «بابل عظیم»، تثبیت می‌کند. برای شناسایی آن سقوط بابل در ایام آخر، به دو شاهد دو سقوط پیشین بابل نیاز است، زیرا پیام ایام آخر این است که «بابل سقوط کرد، سقوط کرد.» هنگامی که فرشته نیرومند فرود آمد، وقتی ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک با لمسی از سوی خدا فرو ریختند، او با اعلام خود قاعده کاربرد سه‌گانه نبوت را مشخص می‌کند. کاربرد سه‌گانه نبوت که ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را به‌عنوان تحقق کلام نبوی خدا تثبیت کرد، همان کاربرد سه‌گانه سه وای بود.

با تحقق آن، بسیاری به جنبش فیوچر فور آمریکا پیوستند و به اصول تفسیر پیشگویی‌هایی که فیوچر فور آمریکا به کار گرفته بود، متقاعد شدند. ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تکرار شد، و این تکرار قاعده اصلی میلر را، یعنی این‌که در پیشگویی‌های کتاب مقدس هر روز معادل یک سال است، تأیید نکرد؛ زیرا قاعده اصلی فیوچر فور آمریکا این بود که تاریخ میلری پیام‌های فرشته اول و دوم در تاریخ جنبش فرشته سوم تکرار می‌شود.

به نظر بدیهی می‌رسد که اگر سال ۱۸۴۰ به مصداق یورشی مشخص از سوی «اعلیحضرت شیطانی» نامی که خواهر وایت بر شیطان می‌نهد—تبدیل شد، در آن صورت رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز در معرض حمله‌ای مشابه قرار می‌گرفت. از این رو با نظریه‌های توطئه‌ای روبه‌رو می‌شویم که نقش جهانی‌گرایان، یا یسوعیان، یا سیا، یا خاندان بوش، یا ترکیبی از این قدرت‌ها را مطرح می‌کنند. این نظریه‌ها، هرچند دربردارنده برخی عناصر حقیقت‌اند، به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند تا این ایده را رد کنند که این ضربه‌ای از سوی خدا بود که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک را فرو ریخت و بدین‌سان ورود «وای سوم» به تاریخ جنبش یکصد و چهل و چهار هزار را نشان داد.

اکنون چنین گفته می‌شود که من اعلام کرده‌ام نیویورک قرار است با موجی جزرومدی روییده شود؟ من هرگز چنین نگفته‌ام. من گفته‌ام، هنگامی که به ساختمان‌های عظیمی می‌نگریستم که در آن‌جا طبقه پشت طبقه قد می‌کشند، «چه صحنه‌های هولناکی رخ خواهد داد وقتی خداوند برخیزد تا زمین را سخت بلرزاند! آنگاه سخنان مکاشفه ۱۸:۱-۳ تحقق خواهد یافت.» سراسر فصل هجدهم مکاشفه هشدار است درباره آنچه بر زمین خواهد آمد. اما درباره آنچه بر نیویورک خواهد آمد، نوری خاص ندارم؛ فقط می‌دانم روزی ساختمان‌های عظیم آن‌جا با زیر و رو کردن قدرت خدا به زیر افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده، می‌دانم که ویرانی در جهان هست. یک کلام از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناهای عظیم فرو خواهند ریخت. صحنه‌هایی رخ خواهد داد که هولناکی آن را نمی‌توانیم تصور کنیم. Review and Herald، ۵ ژوئیه ۱۹۰۶.

نظریه‌های توطئه، چه هیچ حقیقتی در خود نداشته باشند و چه تنها بخشی از حقیقت را دربر گیرند، همگی این حقیقت را تضعیف می‌کنند که این مشیت الهی خدا بود که رویدادهای آن تاریخ را پدید آورد. آن نظریه‌های توطئه گوناگون حمله شیطان از بیرون جنبش به حقیقت‌اند، اما او همچنین از درون جنبش برای تضعیف حقیقت عمل کرد. یکی از آن حملات داخلی بر رد روم به‌عنوان موضوع کتاب یوئیل استوار است.

ما آن مناقشه را در مقاله بعدی بررسی خواهیم کرد.

کلام خداوند که بر یوئیل، پسر پتئیل، نازل شد. ای پیران، این را بشنوید، و شما ای همه ساکنان سرزمین، گوش فرا دهید. آیا چنین چیزی در ایام شما رخ داده است، یا حتی در ایام پدرانانتان؟ آن را به فرزندان خود بازگویید، و بگذارید فرزندانانتان آن را به فرزندان خویش بگویند، و فرزندان ایشان به نسلی دیگر. آنچه را که کرم جوانه‌خوار باقی گذاشت، ملخ خورد؛ و آنچه را ملخ باقی گذاشت، کرم برگ‌خوار خورد؛ و آنچه را کرم برگ‌خوار باقی گذاشت، کرم پروانه خورد. بیدار شوید، ای مست‌ها، و بگریید؛ و ای همه شراب‌نوشان، شیون کنید، به سبب شراب نو، زیرا از دهان شما گرفته شده است. زیرا قومی نیرومند و بی‌شمار بر سرزمین من برآمده است؛ دندان‌هایش دندان‌های شیر است، و دندان‌های آسیای شیر بزرگ نیز دارد. یوئیل ۱:۱-۶.